

## زنگ ورزش زنگ آخر



با لب‌های کبود شده و تن لرزان کنار استخر، سرمای بیرون از آب را کاملا حس می‌کند. می‌خواهد هر چه زودتر به داخل آب بپرد تا شاید دمای بدنش با دمای آب گرم‌تر از محیط استخر تطبیق پیدا کند و از این سرما خلاص شود، اما معلم ورزش آن طرف‌تر ایستاده و بچه‌ها را لب استخر نشانده تا پای دوچرخه در شنا را به آنها آموزش بدهد.

### بررسی مشکلات درس اجباری ورزش در مدرسه

#### زنگ ورزش زنگ آخر

با لب‌های کبود شده و تن لرزان کنار استخر، سرمای بیرون از آب را کاملا حس می‌کند. می‌خواهد هر چه زودتر به داخل آب بپرد تا شاید دمای بدنش با دمای آب گرم‌تر از محیط استخر تطبیق پیدا کند و از این سرما خلاص شود، اما معلم ورزش آن طرف‌تر ایستاده و بچه‌ها را لب استخر نشانده تا پای دوچرخه در شنا را به آنها آموزش بدهد.

حرکات معلم چندان اختصاصی نیست، گویا تخصص لازم را در شنا ندارد و بچه‌ها در حال یخ زدن لب استخر هستند. او در بین بچه‌ها نمی‌داند بین آموزش‌های معلم یا مبارزه با سرما کدامیک را انتخاب کند. در حین آموزش به یاد گرمای خانه افتاده و این‌که هر چه زودتر 90 دقیقه زمان آموزش شنای اجباری در مدارس تمام شود و به خانه و اتاق گرم خودش پناه ببرد...

ورزش مدارس مدت‌هاست فضای سرد و یخ‌زده‌ای دارد که ورزش‌های اجباری در مدارس هم نتوانسته است تن نحیف آن را با گرمای توسعه و پیشرفت ورزش پایه‌ای همسو و هم‌جهت کند. ورزش مدارس که باید حلقه اتصال به ورزش قهرمانی باشد متأسفانه با رویکرد غیرواقعی‌بینانه خود در ورطه‌ای افتاده که اساس آن اشتباه است، چون ورزش مدارس ابتدا باید با اندیشه سلامت جامعه برنامه‌ریزی شود و در فرآیند توسعه، راه قهرمانی استعدادهای خود را در فدراسیون‌های ورزشی هموار کند.

برای ورزش مدارس تا جایی که می‌شد شعار سرد داده شده است، اما در بسیاری مواقع ورزش دانش‌آموزی باز هم در حد یک توپ وسط حیاط مدرسه با دوییدن بی‌هدف دانش‌آموزان دیده می‌شود. این نوع نگاه در شرایطی است که مدرسه امکاناتی از جمله زمین بازی داشته باشد، چون تصویر دیگری از ورزش مدارس، کز کردن دانش‌آموز در نقطه‌ای یا بی‌حوصلگی‌اش از تماشای نقاشی‌های هم‌کلاسی‌ها در زنگ ورزش است! زنگ آخر، زنگ ورزش نیز مفهومی از بی‌اعتنایی به این مقوله در بین دروس مدارس است که این یکی در ذهن نسل‌های مختلف همچنان به جا مانده است.

مهدکودک‌ها و مدارس - اعم از ابتدایی، راهنمایی و متوسطه - برای پر کردن ساعت ورزش برنامه‌ای ندارند و ارتباط لازم بین هیچ کدام از آنها برقرار نیست تا بتوان براساس یک طرح همه‌جانبه، ورزش پایه‌ای را سر و سامان داد. فعالیت‌های موازی فدراسیون‌های ورزشی با روش گلخانه‌ای که آنها را باید به این دست از فعالیت‌ها اضافه کرد، باعث سردرگمی بیشتر در فعالیت‌های ورزشی مدارس شده است.

این روش در سال‌های اخیر توسط فدراسیون‌ها به‌عنوان بهترین برنامه به جای کمبودهایی که در ورزش مدارس وجود دارد، انتخاب و جایگزین شده است. با این روش بیشتر استعدادهای و ظرفیت‌های پایه‌ای ورزش ایران ناشناخته می‌ماند. ورزش پایه‌ای راضی به حداقل‌ها می‌شود و ناگزیر با امکانات و فضاهای محدود خود برای طیف معدودی از ورزشکاران کنار می‌آید.

در سال‌های اخیر برخی برنامه‌های شتابزده تحت تاثیر ورزش قهرمانی روی ورزش مدارس کاملا سایه افکنده است تا جایی که بسیاری مقوله ورزش مدارس را با ورزش قهرمانی اشتباه می‌گیرند و نگاهی که به ورزش مدارس دارند صرفاً قهرمانی است نه در جهت استعدادیابی و توسعه و بالندگی نیروها. این نوع نگاه حتی سلامت جامعه از طریق ورزش را نادیده می‌گیرد در صورتی که از اهداف مهم ورزش مدارس، نهادینه کردن ورزش در جامعه با هدف کاهش هزینه‌های بهداشت و درمان است.

بارها در ورزش ایران این دو مقوله را به اشتباه در جای یکدیگر به کار برده‌اند. مثلاً در پی ناکامی‌های ملی بلافاصله همگان بی‌برنامگی در ساعات ورزش مدارس و کمبود امکانات و فضاهای ورزشی را به یاد می‌آورند و آنچه سرفصل بحث‌های انتقادی یا راهبردی سطحی قرار می‌گیرد، توجه به امر ورزش در آموزش و پرورش است.

ورزش در مدارس و مقاطع تحصیلی، تعریف‌های خاص خود را دارد و از دوران مهدکودک تا دبیرستان به مراحل مختلفی تقسیم می‌شود که مراحل عمومی، تخصصی و ویژه از آن قبیل است. این مراحل در بازه زمانی شش یا هفت سال تا شانزده سالگی است،

حال آن‌که در بسیاری از بحث‌ها این بازه زمانی از یاد می‌رود و همگان فقط سن قهرمانی ورزشکار را به خاطر می‌آورند که چرا چنین نشد و چنان نکرد. در این نوع نگاه صرفاً قهرمانی، می‌خواهند ورزشکار را از مدرسه بدون سپری کردن مراحل آموزشی وارد فضای قهرمانی کنند. تمرینات سخت با تخصص نداشتن تعلیم‌دهندگان شاید در یک مقطع کوتاه به نیازهای ورزشکار و افراد پیرامون او در گرفتن عناوین قهرمانی پاسخ دهد، اما هیچ تضمینی برای موفقیت‌های آینده با افزایش سن ورزشکار یا رویکرد پستوانه‌سازی در ورزش وجود ندارد.

تا اینجا هر چه نوشته شد برای افرادی بود که در مدارس توانایی فعالیت بدنی دارند، اما وضع در مدارس کودکان استثنایی و معلولان نیز بهتر از این نیست. این کودکان برخی از نیازهای معنوی خود را در تربیت بدنی جستجو می‌کنند و به ارزش و اعتباری که از طریق ورزش و حرکات بدنی به آن داده می‌شود توجه ویژه‌ای دارند. در حالی که ورزش برای بالا بردن سطح توان جسمی این بچه‌ها موثر است، باید برنامه‌هایی با محتوا و به دور از شعارزدگی پیاده کرد تا مبادا تن بچه‌ها با داشتن زنگ ورزش، از بی‌رمقی و بی‌حوصلگی بلرزد.

## آرزو تا واقعیت

واژه ورزش که از دیرباز معنای تمرین داشت، هنگام تصویب و 171#& قانون ورزش اجباری در مدارس؛ در شانزدهم شهریور 1306 شمسی به طور رسمی وارد واژگان دولتی ایران شده است. ورزش اجباری در مدارس نه به تعبیر رایج امروزی که جنبه قهرمانی آن مد نظر است، بلکه به منظور سلامت و افزایش قدرت بدنی رده‌های سنی پایه مورد توجه قرار گرفت. در آن زمان هدف از درس ورزش، تندرستی و آشنا شدن دانش‌آموزان با تاریخچه و اصطلاحات بازی‌ها بود، نه فقط تمرین فوتبال و والیبال و ... در اجرای این قانون، از همان سال در مدارس کشور وسایلی از قبیل پارالل و بارفیکس نصب شد.

دویدن، شنا کردن، قدم آهسته و رژه رفتن نیز جزو برنامه‌های درس ورزش مدارس قرار گرفت و به دانش‌آموزان تاکید می‌شد خمیده ننشینند، با قدم‌های استوار راه بروند و ... سال‌ها گذشت تا بتدریج به سبک مدارس آمریکا، بازی‌هایی که در این کشور حرفه‌ای هستند (یک شغل و کسب و کار به حساب می‌آیند و درآمد کسب می‌کنند) از قبیل بسکتبال و ... جای ورزش (تندرستی) را که هدف قانونگذار بود، در مدارس ایران (و حتی در دوره تعلیمات عمومی) گرفت.

با وجود پیشینه این قانون در جامعه ایران، ورزش در مدارس جدی گرفته نشده است. بنا به دلایل مختلفی، دانش‌آموزان مقاطع تحصیلی از ورزش و فعالیت‌های بدنی روی گردانند، چون نه فضا و امکانات مدرسه ایجاب می‌کند و نه از سوی خانواده‌ها ورزش در سطوح پایه سنی جدی گرفته می‌شود. کمبود نیروی انسانی متخصص یکی دیگر از عوامل بازدارنده ورزش در مدارس است. با همه تلاش‌هایی که در سال‌های اخیر صورت گرفته است و با توجه به آمارهای منتشر شده از تعداد معلمان ورزش در مدارس، باز هم کمبودهای زیادی در تربیت نیروهای متخصص و معلمان ورزشی وجود دارد.

ضعف بدنی و فقر حرکتی بویژه در بین دختران به حدی است که مسئولان، کم‌تحركی بالای حد استاندارد را هشدار داده‌اند. ضعف بدنی ناشی از فقر حرکتی که عارضه‌هایی همچون چاقی و بیماری‌های قلبی و عروقی را به همراه دارد، بر نگرانی خانواده‌ها افزوده است، به حدی که طرح اجباری کردن ورزش در مدارس با نقصان‌های بسیار خود، هنوز نتوانسته است باور و اعتماد عمومی در بین افراد درگیر با این طرح‌ها را افزایش دهد. صحبت‌هایی مانند آنچه درباره افزایش زنگ ورزش شنیده شده است یا ورزش صبحگاهی اجباری 15 دقیقه‌ای برای دانش‌آموزان و این‌که مدیران حق ندارند ساعات ورزش را به دروس دیگر اختصاص بدهند، در حد شعار باقی مانده است و برون‌رفت از مشکلات ورزش مدارس به طرح‌های قوی‌تر با پشتوانه عزم ملی نیازمند است.

مسئولان تربیت بدنی آموزش و پرورش در این سال‌ها به طرح موضوعاتی همچون ارائه آمارهای اغراق‌آمیز از معلمان ورزشی در کشور علاقه بیشتری نشان داده‌اند تا راهکارهایی برای نجات دانش‌آموزان از خمودگی.

همچنین در طرح‌های اجباری مشکل بودجه و تنگناهای منابع مالی به قوت خود باقی است تا ورزش مدارس همچنان در مرحله آرزو باقی بماند و از خط پایان کمبودهایی که با آنها روبه‌روست، عبور نکند.

محمد رضایپور / گروه ورزش